

خاطره‌هایی از دکتر ثبوتی

اولین بار دکتر ثبوتی را در کنفرانس فیزیک سال ۱۳۵۳ که در باشگاه بانک سپه برگزار شد دیدم. در سخنرانی‌اش متوجه شدم واژه‌ها را اندیشیده و با دقت انتخاب می‌کند - چیزی که در غالب سخنرانی‌های متعارف در کشور ما حتی امروز هم رعایت نمی‌شود. بی‌دقتی در انتخاب واژه‌ها در صحبت‌های علمی از بی‌دقتی و بی‌نظمی حاکم بر امور جامعه عقب‌افتاده (در حال توسعه) نشأت می‌گیرد و کم‌کم عادت می‌شود. آن روز فکر کردم که چون تازه از فرنگ آمده هنوز متأثر از فرهنگ آنجاست و این دقت به زودی زایل خواهد شد. چند سالی در ایران نبودم و دیگر خبری از دکتر ثبوتی نداشتم، تا آنکه در کنفرانس فیزیک ۱۳۶۲ باز متوجه دقت‌اش در انتخاب واژه‌ها شدم و دیدم که جو جامعه تأثیر چندانی در او نداشته است. بعدها با فعال شدن انجمن فیزیک ملاقات‌های ما زیادتر شد. دو دوره با هم عضو هیئت مدیره انجمن بودیم. بعد از تأسیس مرکز تحصیلات تکمیلی دیدارها مان هفتگی شد. ایشان در صحبت‌های

معمولی نیز واژه‌ها را با دقت و وسواس در خورتوجهی انتخاب می‌کند. یکی از ویژگی‌های شاخص استاد ثبوتی که تأثیر محسوسی در تحول علمی کشور بخصوص در فیزیک داشته علاقه ایشان به توسعه و رشد فرهنگ پژوهش در ایران و تلاش مستمر و بردباری قابل تحسین‌شان در این راه بوده است. برای اینکه اهمیت کار و حدی شهادت ایشان مشخص شود ناگزیر از آوردن یک مقدمه‌ام. از زمان صفویه که پای غربی‌ها و انواع کالاها و مصنوعات برتر غربی به کشور ما باز شد نوعی شیفتگی به غرب و فرهنگ غربی در مردم به وجود آمد. یکی از پیامدهای این شیفتگی، که به طرق مختلف روز به روز تقویت شده است، خودباختگی است. این خودباختگی در حدی است که زنده‌یاد استاد حسابی نقل می‌کرد وقتی پیشنهاد تأسیس دانشگاه تهران به حکمت نخست وزیر وقت داده شد با تعجب گفت که ایجاد دانشکده طب و حقوق یک حرفی ولی ایجاد دانشکده فنون کار ایرانی نیست. دانشکده فنی و بعدها دانشکده علوم در چنین جوی ایجاد شد. وقتی چراغ لامپا، که فتیله‌اش قابل تنظیم است، تازه از روسیه وارد ایران شده بود مردم دور آن روس و چراغش جمع می‌شده‌اند و هر بار که نور چراغ در اثر پایین آمدن فتیله کم می‌شده و آن تکنوکرات روسی فتیله را بالا می‌کشیده حاضرین صلوات می‌فرستاده‌اند [نقل از سخنان امام خمینی که در اولین سال‌های بعد از انقلاب از تلویزیون پخش شد]. این شیفتگی تا حدی طبیعی است زیرا در این سه چهار قرن اخیر اولیای امور برای حل مشکلات کشور همواره چشم به غرب داشته‌اند. در این میان دانشگاهیان نیز که ارتباط بیشتری با غرب داشته‌اند، مطالب علمی غربی را به صورت ترجمه و تلخیص و با تحسین بیش از اندازه دانش‌پیشگان غربی به خورد

دانشجویان ایرانی داده‌اند. معمولاً چنین تلقی شده است که کتاب‌های غربی بی‌نقص‌اند و همه مطالب‌شان با دقت و وسواس فوق‌العاده تهیه شده است و انتقادی بر آنها وارد نیست. اگر دقت کنیم، علی‌رغم توسعه کیفی قابل ملاحظه در علوم پایه کشور و بخصوص در فیزیک و ریاضی در سال‌های اخیر، هنوز کتاب‌های درسی پایه ترجمه کلمه به کلمه کتاب‌های غربی است و عملاً نقدی هم بر آنها نوشته نمی‌شود. به نظر من این وضعیت عمدتاً ناشی از همان شیفتگی به غرب و خودباختگی است.

حال برمی‌گردم به اصل مطلب. دکتر ثبوتی در چنین جوی این شهامت را داشته است که در راه‌اندازی تحقیق پیشگام باشد. تحقیق که در عمل به معنی نوآوری، نقد، رفع نقایص و تکمیل کار دیگران است به خودباوری قابل ملاحظه‌ای نیاز دارد و دکتر ثبوتی در ایجاد این خودباوری که امروزه حتی در دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و کارشناسی هم به چشم می‌خورد سهم عمده‌ای داشته است. تلاش مستمر استاد ثبوتی در ایجاد جو تحقیق و تقویت خودباوری در همکاران و جوانان، بسیار شایسته قدردانی است.

ایشان از اواخر دهه چهل در دانشگاه شیراز با برگزاری سمینارهای هفتگی و انتشار کارها به صورت انتشارات رصدخانه بیرونی، جو تحقیق را در گروه فیزیک آن دانشگاه به تدریج ایجاد کرد، و شاید به همین دلیل بود که یکی از اولین دوره‌های دکترای فیزیک در دانشگاه شیراز دایر شد. دکتر ثبوتی در فعالیت‌های انجمن فیزیک که یکی از هدف‌های عمده آن گسترش فرهنگ تحقیق است و همچنین در فعالیت‌های انجمن نجوم شرکت داشته است. ایجاد مرکز تحصیلات تکمیلی کار ممتاز و بزرگی بود که با همت و تلاش ایشان و به منظور

فراهم شدن محیطی مناسب برای پژوهش صورت گرفت. پشتیبانی این مرکز از دوره‌های کوتاه‌مدت پیشرفته، سمینارهای ملی و بین‌المللی، و اعزام جوانان به خارج و دعوت از دانش‌پیشگان ایرانی مقیم خارج و خارجی به مرکز، در توسعه و نهادینه شدن فرهنگ تحقیق در کشور تأثیر چشمگیر داشته است. در آخر به سه خاطره از استاد که مؤید اشتیاق قابل تحسین ایشان به توسعه فرهنگ تحقیق در جامعه ماست اشاره می‌کنم.

در هنگامه جنگ تحمیلی، هیئت مدیره انجمن فیزیک تصمیم گرفت کنفرانس سالانه متوقف نشود تا رکودی در فعالیت انجمن به وجود نیاید. دکتر ثبوتی رئیس انجمن بود و من عضو هیئت مدیره و قرار بود کنفرانس سالانه در تبریز برگزار شود. رسم بر این است که قبل از برگزاری کنفرانس از محل بازدید شود. من و دکتر ثبوتی برای بازدید به تبریز رفتیم. جو جنگ بر تبریز حاکم بود. به ما گفته شد که امروز چند بار وضعیت قرمز اعلام شده است. بعد از گفتگو با مسئولان دانشگاه قرار شد کنفرانس با تعداد محدودی شرکت‌کننده برگزار شود. همانجا دکتر ثبوتی از مدیر گروه فیزیک خواست همکاران را در اتاقی جمع کند تا او برایشان سمیناری بدهد. من تعجب کردم که حالا چه وقت سمینار است و ایشان گفت باید در دانشگاه‌ها رسم باشد وقتی یک هیئت علمی از جایی می‌آید سمینار بدهد.

در محل اولیه مرکز تحصیلات تکمیلی کلاس درس سألنی بود بالای اتاق دکتر ثبوتی. یک روز من در آن کلاس درس را تمام کرده بودم و با دانشجویان بحث علمی می‌کردیم. کسی آمد و گفت دکتر ثبوتی با شما کار دارد. من بحث را قطع نکردم و ادامه دادم. چند دقیقه بعد متوجه شدم دکتر ثبوتی با سرعت وارد سالن شد، وقتی دید من با دانشجویان بحث

می‌کنم مدتی ایستاد - معلوم بود خوشحال و راضی است - و بعد آهسته به اتاق خود برگشت. حال او را خوب درک می‌کردم. یکی از آرزوهای ما این بود و هست که ببینیم همکاران و دانشجویان با هم بحث علمی می‌کنند.

همت دکتر ثبوتی در بنای پردیس جدید مرکز زنجان مثال زدنی است. ایشان در همه مسائل اعم از طراحی، تهیه مواد، و ساخت دخالت می‌کرد و نظر می‌داد، که کاری طاقت‌فرسا بود. یک روز من در جاده گاو‌زنگ پیاده‌روی می‌کردم، دیدم دکتر ثبوتی، که معمولاً آرام راه می‌رود، به سرعت به طرف پردیس در حرکت است. پرسیدم با این عجله کجا می‌رود. به آب گل‌آلودی که در جوی کنار جاده جاری بود اشاره کرد و گفت این بتون را خراب می‌کند و بناها و کارگران ممکن است متوجه نباشند.

گفتنی در مورد ایشان بسیار است. باشد تا وقتی دیگر.

محمدتقی توسلی

عالمی در زمانه عسرت

سال‌ها پیش در کنفرانس فیزیک (یادم نیست چه سالی) قرار شد که قطعنامه کنفرانس را دکتر ثبوتی بخواند. قطعنامه، به جای تعارفات مرسوم، یکی دو سطر بیشتر نبود و این یکی دو سطر هم حقیقت تلخی را بیان می‌کرد: ما برای برآوردن نیازهای آموزشی و پرداختن به کار تحقیقی کمینه، دست‌کم به هزار فیزیکدان در حد دکتری نیاز داریم، اما شمار فیزیکدان‌هایی که در این سطح داریم از دویست نفر بیشتر نمی‌شود. این حقیقت تلخ که از زبان مردی بیان می‌شد که کم اما سنجیده حرف می‌زند، ظاهراً هنوز ناشنیده مانده است. هنوز هم بیشتر دوست داریم که با کارهای صوری و نمادین، با بزرگداشت رسمی اهل علم، با اختصاص دادن ستون‌هایی از روزنامه‌ها و مجلات به دستاوردهای علمی جوانانمان، به رتبه‌هایی که در المپیادها کسب کرده‌اند، و حتی با قلم‌فرسایی درباره توفیق‌های محققان ایرانی‌الاصل در نهادهای علمی کشورهای دیگر، این واقعیت را به روی خود نیاوریم که کار علم تنها